

در تولد تازه چه روی می‌دهد؟ (بخش دوم)

یوحنا ۱:۳-۱۰

و شخصی از فریسیان، نيقوديموس نام، از رؤسای يهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت: «ای استاد، می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی بنماید، جز اینکه خدا با وی باشد.» عیسی در جواب او گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» نيقوديموس بدو گفت: «چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟» عیسی در جواب گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید. باد هرجا که می‌خواهد می‌وزد و صدای آن را می‌شنوی، لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح مولود گردد.» نيقوديموس در جواب وی گفت: «چگونه ممکن است که چنین شود؟» عیسی در جواب وی گفت: «آیا تو معلم اسراییل هستی و این را نمی‌دانی؟»

عیسی در انجیل یوحنا ۷:۳ به نيقوديموس فرمود: «عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید.» و در آیه ۳ به نيقوديموس و به ما می‌فرماید که زندگی ابدی‌مان به این وابسته است که از نو تولد یابیم: «آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» پس ما با مطلبی حاشیه‌ای، دلبخواهی، یا سطحی و ظاهری در زندگی مسیحی مواجه نیستیم. تولد تازه مثل آن آرایش و پیرایشی نیست که مسوولان کفن و دفن بر روی اجساد انجام می‌دهند تا آنها را زنده به نظر رسانند. تولد تازه خلقت حیات روحانی است نه تقلید حیات.

در پیغام قبل، این پرسش را مطرح نمودیم که در تولد تازه چه روی می‌دهد؟ و در دو جمله بدان پاسخ دادیم: (۱) آنچه در تولد تازه روی می‌دهد برخوردار شدن از مذهب تازه نیست، بلکه بهره‌مند شدن از حیات تازه است؛ (۲) آنچه در تولد تازه روی می‌دهد صرفاً این نیست که تأیید کنید که عیسی از عالم بالا آمده است، بلکه حقیقتی از عالم بالا را در خودتان نیز تجربه می‌کنید.

حیات تازه به واسطه روح القدس

نيقوديموس یک فریسی بود و لبریز از دین و مذهب، اما از حیات روحانی بهره‌مند نبود. او کار خدا از عالم بالا را در عیسی مشاهده می‌کرد، اما خودش آن کار خدا از عالم بالا را تجربه نکرده بود. پس، اگر دو نکته پیغام قبل را کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم طبق آنچه عیسی فرمود چیزی که نيقوديموس احتیاج داشت حیات تازه روحانی بود که می‌بایست از طریق روح القدس از عالم بالا عطا می‌گشت. چیزی که آن حیات تازه را روحانی و از عالم بالا می‌سازد این است که آن حیات عملی خدای روح القدس است. این حیات تازه چیزی فراتر از حیاتی است که به طور طبیعی در قلب و مغز ما جاری است.

عیسی در آیه ۶ می‌فرماید: «آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است.» جسم از حیات برخوردار است. همه انسانها از نظر جسمانی زنده هستند، ولی همه انسانها از نظر روحانی زنده نیستند. برای اینکه از نظر روحانی زنده گردیم و به عبارتی حیات روحانی داشته باشیم، عیسی می‌فرماید که باید «از روح مولود گردیم.» جسم، از یک نوع حیات برخوردار است و روح از نوعی دیگر. اگر از حیات روح برخوردار نباشیم، ملکوت خدا را نخواهیم دید.

به واسطه روح القدس، در عیسی

در انتهای پیغام گذشته، به دو نکته بسیار مهم اشاره نمودیم: رابطه تولد تازه با عیسی و رابطه تولد تازه با ایمان. عیسی می‌فرماید: «من راه راستی و حیات هستم» (یوحنا ۱۴:۶) و یوحنا رسول می‌گوید: «خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر او است. آن که پسر را دارد حیات را دارد و آن که پسر خدا را ندارد حیات را نیافته است» (اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲). پس از یک سو آن حیات تازه‌ای که ما نیاز داریم «در پسر» است، یعنی در عیسی که خود حیات است. اگر او را دارید، از حیات تازه روحانی و ابدی برخوردارید. از سوی دیگر، عیسی در یوحنا ۶:۶۳ می‌فرماید: «روح است که زنده می‌کند.» اگر از روح متولد نشوید، نمی‌توانید به ملکوت خدا راه یابید (یوحنا ۵:۳).

بنابراین، ما با پیوند به پسر خدا، که حیات ما است، از حیات برخوردار می‌شویم و آن حیات، به واسطه کار روح القدس، از آن ما می‌گردد. از این رو، نتیجه می‌گیریم که کار روح القدس در زنده نمودن ما این است که ما را با متحد نمودن با مسیح حیات تازه می‌بخشد. جان کالوین این حقیقت را بدین شکل بیان می‌کند: «روح القدس آن پیوندی است که به وسیله آن مسیح ما را با خودش متحد می‌سازد، اتحادی ثمربخش و واقعی»

اتحاد با عیسی از طریق ایمان

سپس، ارتباط با ایمان را بدین شکل بیان کردیم. انجیل یوحنا ۳۱:۲۰ می‌فرماید: «این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید.» و اول یوحنا ۴:۵ می‌فرماید: «آنچه از خدا مولود شده است بر دنیا غلبه می‌یابد و غلبه‌ای که دنیا را مغلوب ساخته است ایمان ما است.» تولد یافتن از خدا کلید پیروزی است و ایمان نیز کلید پیروزی است، زیرا به وسیله ایمان است که تولد تازه از خدا را تجربه می‌کنیم. بنابراین، کل پیغام قبل را این‌گونه خلاصه کردیم: در تولد تازه، روح القدس با پیوند دادنمان به عیسی مسیح از طریق ایمان ما را از عالم بالا حیات تازه روحانی می‌بخشد.

تولد تازه: خلقتی تازه نه تعالی طبیعت گذشته

اکنون، به سومین روشی می‌رسیم که رویداد تولد تازه را توصیف نماییم. آنچه در تولد تازه روی می‌دهد، این نیست که طبیعت گذشته‌تان را تعالی بخشد، بلکه طبیعت تازه‌ای را در شما به وجود می‌آورد، طبیعتی که همچنان خود شما هستید، ولی طبیعتی آمرزیده و طاهر است، طبیعتی که واقعاً تازه است و به دست روح خدا، که در شما ساکن می‌شود، شکل می‌گیرد.

من مسیری را طی کرده‌ام تا به این مهم رسیده‌ام و حال به همراه هم مسیر کوتاه‌تری را طی می‌کنیم تا به این نکته برسیم. عیسی در یوحنا ۵:۳ به نیکودیموس می‌فرماید: «آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.» منظور عیسی از به کار بردن عبارت «از آب و روح» چیست؟ برخی از فرقه‌ها بر این باورند که این عبارت به تعمیم در آب اشاره دارد، چنان که روح القدس از این طریق ما را با مسیح یکی می‌سازد. برای نمونه، در یکی از تارنماها چنین نوشته شده است:

تعمید مقدس اساس کلی زندگی مسیحی است، راهی است به سوی حیات در روح و دری است که دسترسی به سایر آیینهای کلیسا را ممکن می‌سازد. ما به واسطه تعمیم در آب از گناه آزاد می‌شویم و در مقام فرزندان خدا از نو تولد می‌یابیم. ما اعضای مسیح می‌گردیم، به کلیسا ملحق می‌شویم و در مأموریت و خدمتش سهیم می‌گردیم: «تعمید در آب آیین حیات دوباره یافتن است که از طریق آب، در کلام، به انجام می‌رسد.»

میلیونها انسان چنین تعلیم گرفته‌اند که با تعمیم در آب تولد تازه می‌یابند. اگر جز این است، پس این تعلیم فاجعه‌ای جهانی و عظیم است و من باور دارم که حقیقت جز این است. پس منظور عیسی چیست؟

چرا واژه «آب» در انجیل یوحنا فصل ۳ اشاره به تعمید در آب نیست؟

به چندین دلیل، بر این باورم که آب در اینجا به تعمید در آب اشاره نمی‌کند. در ادامه مطالعه‌مان، در بافت این آیات، متوجه می‌شویم که «آب» به چه اشاره دارد.

۱) در ادامه فصل، به تعمید در آب هیچ اشاره‌ای نشده است

نخست اینکه، اگر واژه آب در اینجا به تعمید در آب اشاره می‌داشت و اگر چنانچه برخی معتقدند تعمید در آب لازمه تولد تازه می‌بود، عجیب به نظر می‌رسد در این فصلی که عیسی راجع به برخوردار شدن از حیات ابدی سخن می‌گوید به این موضوع اشاره نکند. آیه ۱۵: «هر که به او ایمان آرد حیات جاودانی یابد.» آیه ۱۶: «هر که بر او ایمان آورد هلاک [نخواهد شد]، بلکه حیات جاودانی یابد.» آیه ۱۸: «آن که به او ایمان آرد بر او حکم نشود.» اگر تعمید در آب تا این حد برای تولد تازه یافتن اساسی می‌بود، عجیب به نظر می‌رسد که به همراه ایمان بدان اشاره نشده باشد.

۲) باد تشبیه مناسبی برای تعمید در آب نیست

دوم اینکه، اگر تولد تازه، به طور قطعی، به تعمید در آب وابسته می‌بود، عجیب است که در آیه ۸ به باد تشبیه شده باشد. عیسی می‌فرماید: «باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد و صدای آن را می‌شنوی، لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح مولود گردد.» با توجه به این آیه، چنین به نظر می‌رسد که همان‌گونه که باد هر جا که بخواهد می‌وزد، خدا نیز در به وجود آوردن تولد تازه مختار است. حال آنکه، اگر قرار بود با آب پاشیدن بر نوزادان تولد تازه رخ دهد، به نظر نمی‌رسد که بتوان، در این مفهوم، آن را به باد تشبیه کرد، چرا که اگر چنین می‌بود، باد را به آیین تعمید آب محدود می‌نمود.

۳) تعمید در آب با نکوهش شدن نیکودیموس تناسبی ندارد

سوم اینکه، اگر منظور عیسی تعمید در آب می‌بود، به نظر عجیب می‌رسد که در آیه ۱۰ به نیکودیموس فریسی چنین بگوید: «آیا تو معلم اسرائیل هستی و این را نمی‌دانی؟» اگر عیسی به چیزی اشاره می‌نمود که در عهدعتیق تعلیم داده شده بود، قابل درک می‌بود که این‌گونه با نیکودیموس سخن گوید، ولی اگر منظورش تعمید در آب بود، لزومی نداشت نیکودیموس را که یکی از معلمان اسرائیل بود، به خاطر عدم درک گفته‌اش، سرزنش کند، چرا که تعمید در آب پس از حیات و مرگ عیسی معنا یافت.

۴) آب و روح به وعده‌های عهد جدید مربوط می‌شوند

و سرانجام اینکه، همان جمله در آیه ۱۰ ما را به عهدعتیق و به طور خاص به حزقیال فصل ۳۶ و پیش‌زمینه‌ای برمی‌گرداند که ارتباط نزدیک آب و روح را با وعده‌های عهد جدید درمی‌یابیم. پس با هم به آن فصل و متنی برویم که ادامه پیغام امروز را بر آن بنا کرده‌ایم.

آب و روح، در حزقیال فصل ۳۶

حزقیال آن چیزی را نبوت می‌کند که خدا پس از بازگرداندن قومش از تبعید در بابل برای ایشان به انجام می‌رساند. ماحصل آن کار بسی وسیع‌تر از آن بود که صرفاً به قوم اسرائیل محدود باشد، زیرا عیسی مدعی بود برای همگانی که به او اعتماد خواهد نمود عهدی تازه را با خون خودش استوار خواهد ساخت (لوقا ۲۲:۲۰). حزقیال فصل ۳۶ یکی از وعده‌های آن عهد جدید است، همانند آنکه در ارمیا فصل ۳۱ از آیه ۳۱ به بعد وعده داده شده است. این آیات را با هم بخوانیم. حزقیال ۲۴:۲۸-۳۶:

شما را از میان امتهای می‌گیرم و از جمیع کشورها جمع می‌کنم و شما را در زمین خود درخواهم آورد و آب پاک بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد و شما را از همه نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به

فرايض خود سالک خواهيم گردانيد تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را به جا آوريد و در زميني که به پدران شما دادم ساکن شده، قوم من خواهيد بود و من خدای شما خواهيم بود.

به گمانم، اين کلام عیسی از آن آیات نامبرده ناشی می‌گردد: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.» خدا به چه کسانی می‌فرماید: «قوم من خواهيد بود و من خدای شما خواهيم بود» (آیه ۲۸)؟ آیه ۲۵: به آنانی که خطاب به ایشان می‌فرماید: «آب پاک بر شما خواهيم پاشيد و طاهر خواهيد شد از همه نجاسات» و در آیه ۲۶ به آنانی که خطاب به ایشان می‌فرماید: «دل تازه به شما خواهيم داد و روح تازه در اندرون شما خواهيم نهاد.» به بيان ديگر، آن کسانی به ملکوت راه می‌يابند که تازه شده‌اند، تازگي که نتیجه پاک شدن طبيعتی کهنه و خلقت طبيعتی تازه است.

بنابراین، نتیجه‌گیری من اين است که «آب و روح» به دو جنبه از تازه شدن ما به هنگام تولد تازه اشاره دارند و اين دو از آن جهت اهميت دارند که وقتی می‌گوئيم روحی تازه یا دلی تازه به ما داده می‌شود، منظورمان اين نیست که ما ديگر خودمان نيستيم، يعنی آن خودی که بايد از نظر اخلاقی حساب پس دهد. من پيش از اينکه تولد تازه بيابم جان پای‌پر بودم و پس از تولد تازه‌ام نیز همان شخص جان پای‌پر. اين چیزی است که در آن استمرار وجود دارد. به همين دليل است که بايد پاکي صورت بگيرد. اگر آن انسان قديمی، يعنی جان پای‌پر، به طور کامل از بين می‌رفت، ديگر مفهومی به نام آموزش و پاک شدن مطرح نمی‌بود، چرا که ديگر ته‌مانده‌ای از گذشته نمانده بود که بخوهد آموخته يا پاک گردد.

می‌دانيم کتاب مقدس به ما می‌گويد که انسانیت کهنه ما مصلوب گشت (روميان ۶:۶) و ما با مسيح مرده‌ايم (کولسیان ۳:۳) و «خود را مرده انگاشته‌ايم» (روميان ۱۱:۶) و «انسانیت کهنه را از خود بيرون کرده‌ايم» (افسسیان ۴:۲۲). اما هيچ‌یک از اينها بدان معنا نيست که در طی زندگی انسانی ديگر در نظر باشد. بلکه منظور اين است که یک طبيعت کهنه، یک شخصیت کهنه یا به عبارتی یک نهاد و فطرتی وجود دارد که بايد از سیطره آن خارج شد.

پس، وقتی درباره دل تازه‌تان، روح تازه‌تان، و طبيعت تازه‌تان می‌اندیشيد، اين‌گونه نگاه کنيد که هنوز خود شما وجود داريد و چون هنوز خودتان وجود داريد، در نتیجه، به آموخته شدن و پاک گشتن نیازمنديد. اين نکته‌ای است که واژه «آب» بدان اشاره دارد. گناه من بايد شسته شود. پاک گشتن با آب تصویری از اين واقعیت است. کتاب ارميا ۸:۳۳ آن را بدین شکل بيان می‌کند: «و ایشان را از تمامی گناهانی که به من ورزیده‌اند طاهر خواهيم ساخت و تمامی تقصيرهای ایشان را که بدانها بر من گناه ورزیده و از من تجاوز کرده‌اند خواهيم آموزيد.» پس آن انسانی که هستيم، آن انسانی که وجودش استمرار دارد بايد آموخته شود و گناهِش شسته گردد.

نیاز به تازه شدن

ولی آموخته شدن و پاک گشتن کافی نیست. من بايد تازه گردم. بايد تبدیل شوم. من به حیات احتیاج دارم. من به شیوه تازه‌ای از دیدن، اندیشیدن، و ارزش گذاردن احتیاج دارم. به همين دليل است که حزقیال در آیه ۲۶ و ۲۷ از دل تازه و روح تازه سخن می‌گويد: «دل تازه به شما خواهيم داد و روح تازه در اندرون شما خواهيم نهاد و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتين به شما خواهيم داد و روح خود را در اندرون شما خواهيم نهاد و شما را به فرايض خود سالک خواهيم گردانيد تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را به جا آوريد.»

درک من از اين آیات چنین است: بدون شک، دل سنگی دلی است مرده، که به واقعیت‌های روحانی بی‌حس و بی‌رغبت است. البته اين دل شما پيش از تولد تازه کاملاً بی‌حس نبود. اين دل به چیزهای زیادی اشتیاق داشت و خواهانشان بود، اما، در مقابل حقیقت روحانی و زیبایی عیسی مسيح و جلال خدا و مسير قدوسیت، دلی سنگی بود. اگر می‌خواهيم ملکوت خدا را ببينيم، اين دل بايد تغيير کند. از اين‌رو، در رویداد تولد تازه، خدا دل سنگی را برمی‌دارد و دل گوشتين می‌بخشد. واژه «گوشتين» صرفاً به معنای «انسان» نیست، چنان که

در یوحنا ۶:۳ بدان اشاره شده است، بلکه به معنای دلی نرم و زنده و پذیرا و با حس می‌باشد که با دلی سنگی و فاقد حیات جایگزین می‌گردد. در رویداد تولد تازه، دل سنگی و مرده‌ما، که از مسیح دل‌زده است، با دلی جایگزین می‌گردد که ارزش عیسی را احساس می‌کند (حس روحانی).

پس وقتی حزقیال در آیات ۲۶ و ۲۷ می‌گوید: «روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد . . . و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید» منظورش این است که در رویداد تولد تازه خدا حیاتی زنده و روحانی و از عالم بالا را در دل‌های ما جای می‌دهد و آن حیات تازه، آن روح تازه، کار روح‌القدس است که دل تازه‌ما را شکل و شخصیت می‌بخشد.

تصویری که من در ذهن دارم این است که آن دل تازه و گرم و با حس و پذیرا و زنده مانند توده گلی نرم است که روح‌القدس قالب خودش را بر آن می‌زند و آن را از نظر روحانی و اخلاقی به شکل خویش درمی‌آورد. از آن سبب که روح‌القدس درون ما ساکن است، دل و فکرمان نیز شخصیت روح خدا را به خود می‌گیرند (رساله افسسیان ۲۳:۴ را مشاهده نمایید).

عیسی را چون گنجینه خود پذیرا باشید

پس به عقب بازگردیم و مطالب را خلاصه نماییم. در تولد تازه چه روی می‌دهد؟ در تولد تازه، روح‌القدس ما را محض ایمانمان به عیسی مسیح پیوند می‌دهد و ما را از عالم بالا حیات تازه روحانی می‌بخشد. به بیان دیگر، روح‌القدس ما را با مسیح متحد می‌سازد و در مسیح گناهانمان پاک می‌گردند و روح‌القدس دل سنگی و بی‌حس ما را با دلی نرم جایگزین می‌نماید، دلی که عیسی را بالاتر از هر چیز دیگری عزیز می‌دارد، دلی که حضور روح‌القدس آن را به دلی تبدیل می‌نماید که دوستدار به‌جای آوردن اراده خدا است (حزقیال ۲۷:۳۶).

از آنجا که همه اینها را به وسیله ایمان تجربه می‌کنید، اکنون، در نام عیسی و به قدرت روحش شما را دعوت می‌کنم که عیسی را چون گنجینه زندگی‌تان بپذیرید، گنجینه‌ای که گناهانتان را می‌آمرزد و شما را تبدیل می‌نماید.

جان پای‌پر